

بازخوانی گمانه خشونت مهدوی در نگاه مستشرقان رسانه‌ای

محمد شهبازیان^۱

مهدی زارع^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۲۱

چکیده

مبانی اسلام بر صلح و آرامش است و این مهم در پیام روزانه هر مسلمانی تکرار شده و از واژگان «سلام» در دیدار خود استفاده می‌کنند. این منش، سیره اهل بیت علیهم‌السلام بوده و حاکمیت جهانی خود را «دولت مهدوی» دانسته که تلاش آن برپایی عدالت و صلح جهانی برای تعالی بشر است. دولت کریمه چنان است که افزون بر تعالی دین و عبودیت، شاهد سلامت و امنیت جانی مردمان آن دوره خواهیم بود؛ چراکه زنی تنها با اموال خود مسیری طولانی طی نموده اما گزندی به او نخواهد رسید. از طرف دیگر، آنها که خود عاملی برای نامنی جهانی هستند؛ تلاش دارند با در اختیار گرفتن برخی از نویسندگان ضد اسلامی، مطالب مورد نیاز رسانه‌های شنیداری و گفتاری را فراهم نموده و با ترویج گسترده آنها، به مقابله با موج اسلام‌خواهی بپردازند. از این رو، بر مسائلی مانند «جهاد اسلامی» تمرکز نموده و با نقل ناقص، وارونه‌نمایی و تحریف مبانی اسلام و شیعه امامی، ترس از ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام را در دل‌ها ایجاد کرده و ایشان را «ضد مسیح» و «ایجادکننده نبرد اتمی» معرفی کرده‌اند. آنان با بهره‌گیری از نوشته‌های سیاسی افرادی مانند: «جوئل ریچاردسون»، «جوئل روزنبرگ»، «ران کانتزل» و برنامه‌های تلویزیونی «گلن بک» مجری سرشناس «فاکس نیوز» به این طرح اقدام نموده و با استناد ناقص به برخی از گزارش‌های موجود در منابع روایی یا عملکرد انحرافی برخی از گروه‌های تکفیری مانند «داعش» استدلال خود را در سه محور: ۱. استناد به روایت‌های کشتار؛ ۲. گمانه ارتباط میان مهدویت و آموزه‌های تکفیری؛ ۳. گمانه همسانی مهدی موعود علیه‌السلام و ضد مسیح ارائه می‌کنند. این نوشتار با روش تحقیق آمیزه‌ای تلفیقی و داده‌پردازی توصیفی-تحلیلی، تلاش

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی قم، ایران (نویسنده مسئول) (m.shahbazian@isca.ac.ir).

۲. استادیار گروه معارف دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول، ایران (zare.m461@gmail.com).

دارد تا پس از بیان دلایل به کار رفته در منابع نویسندگان تأثیرگذار در فضای رسانه‌ای غرب، به تحلیل آنها پرداخته و نتایج حاصل شده از تحقیق را که شامل: جعلی بودن برخی روایات مورد استناد نویسندگان غربی، برداشت ناصواب از روایات مهدوی، تطبیق بی‌دلیل عملکرد نادرست گروه‌های تکفیری با مبانی اسلامی و برخی تحریف‌های رسانه‌ای است به جامعه علمی ارائه دهد.

واژگان کلیدی

گمانه، خشونت، امام مهدی علیه السلام، مستشرقان رسانه‌ای.

مقدمه

معنا کردن واژه «مستشرق» زمانی ممکن است که از واژه «شرق‌شناسی» تعریف کامل و روشنی صورت پذیرد. نمایانگر این واژه در انگلیسی (Orientalism) و در عربی (الاستشراق) می‌باشد. در کتب لغت فارسی شرق‌شناسی را مترادف با خاورشناسی دانسته و مراد مشرق زمین و قاره آسیا می‌باشد (انوری، ۱۳۸۱ش: ج ۴، ۲۶۷۴). غربی‌ها نیز واژه (شرق) را به دو معنا به کار برده‌اند: یکی به معنای جغرافیایی و دیگری به معنای فرهنگی (الویری، ۱۳۸۱ش: ۸). پیرامون «شرق‌شناسی» تعریف و عبارت‌پردازی‌های متعددی صورت گرفته که برخی از آنان در نقد یکدیگر و در نهایت منجر به سردرگمی خواننده می‌شود (عباس احمدوند، ۱۳۷۷ش: ۵؛ زقزوق، ۱۳۹۲ش: ۳۰). برخی تعریفی جامع از آن را بدین گونه ارائه داده‌اند:

مطالعه و بررسی درباره ملت‌های شرقی در سرزمین‌های اصلی آنها [پیرامون] ریشه‌ها و شاخ و برگ‌های نژادی، شرایط اقلیمی و جغرافیایی و آثار باستانی، تاریخ و اساطیر، زبان و ادبیات، ادیان و مذاهب، آداب و رسوم و آنچه به ویژگی‌های زندگی یا تمدن آنها تعلق دارد (الویری، ۱۳۸۱ش: ۱۵؛ انوری، ۱۳۸۱ش: ج ۴، ۲۶۷۴).

در ادامه و سیر تعریف از «شرق‌شناسی»، دکتر عبدالمنعم فؤاد استاد عقیده در دانشگاه الازهر مصر و نویسنده کتاب *من افتراءات المستشرقین علی الاصول العقیده*، هر غیرمسلمانی را که به تحلیل اسلام پرداخته در زمره مستشرقان می‌دانند (زمانی، ۱۳۸۸ش: ۳۱). برخی دیگر مانند «هارالد موتسکی» یا فراتر نهاده و حتی مسلمانان و شیعیانی که در تحلیل و تبیین متون و آموزه‌های اسلام، از روش غربیان پیروی نموده و ذهن خود را از برخی مبانی و پیش‌فرض‌ها خالی می‌کنند نیز در زمره صاحبان اندیشه در مطالعات اسلامی با تعریف شرق‌پژوهانه آن قرار داده‌است (موتسکی، ۱۳۹۴ش: ۱۱).

با این وصف است که امروزه در جوامع اسلامی، این واژه متبادر با اسلام‌شناسی و مطالعات غربیان (به معنی عام آن و به معنای پژوهش درباره اسلام با روش و متد غربی‌ها) در مورد

آموزه‌های اسلام است (زقزوق، ۱۳۹۲ش: ۳۰) و عبارت‌هایی مترادف مانند: اسلام‌شناسی (islamicism) و مطالعات اسلامی (الدراسات الإسلامية) (islamic studies)، برای آن به کار برده می‌شود.

در میان طیف گسترده مستشرقان، افراد متفاوتی از نظر جایگاه علمی و دارایی سبک و روش تحقیق مشاهده می‌شود که در این میان، برخی از مستشرقان در محافل علمی و تحقیقاتی غرب صاحب سبک و روش نبوده و یا این که در زمره پژوهشگران مطرح حوزه اسلام‌شناسی محسوب نمی‌گردند. با این وصف، افکار عمومی توسط آنها هدایت شده و با در دست داشتن رسانه‌های تصویری و مکتوب، توانسته‌اند حمایت برخی از دولت‌های غربی و محافل رسانه‌ای را به خود اختصاص دهند و در راستای اهداف اسلام‌هراسی و مهدی‌هراسی گام بردارند. نمونه‌ای از این‌گونه مستشرقان، مانند: «جوئل ریچاردسون»^۱، «جوئل روزنبرگ»^۲ و «گلن بک»^۳ است. این دسته را می‌توان «مستشرقان رسانه‌ای» نام نهاد، چرا که نقش آفرینی‌شان در فضای رسانه و حمایت رسانه‌ها از آنان بسیار چشمگیر است. یکی از محققان معاصر می‌نویسد:

آخرین ویژگی استشراق نوین که البته در فضای جدید بین‌المللی پس از یازدهم سپتامبر در حال شکل‌گیری است. گسست بین اسلام‌شناسی عالمانه دانشگاهی و اسلام‌شناسی مورد نظر و مورد نیاز نظام سلطه جهانی است. سخن گفتن در این باره مقداری زود است ولی شاید برخی ویژگی‌های اسلام‌شناسی رسانه‌ای را بتوان به شرح زیر برشمرد: تفرقه‌افکنانه بودن و توجه خاص به زمینه‌های مذهبی و قومی و فکری اختلاف‌برانگیز بین مسلمانان، کل‌نگر بودن و غرب‌محور بودن (الویری، ۱۳۸۳ش: ۷).

مخالفان آموزه‌های اسلام شیعی به خوبی دریافته‌اند که اذهان عمومی را نه با تحقیق‌های دانشگاهی، بلکه با جذابیت‌های رسانه‌ای، باید در اختیار گرفت و در تقابل با نظریه رقیب، تأثیرگذاری رسانه‌های جمعی و تصویری بیش از نگاشته‌های دانشگاهی است.^۴ از طرف دیگر، ایجاد هراس از آموزه‌های شیعی و ارائه اطلاعات ناقص می‌تواند نقش بی‌بدیلی در اقناع افکار

1. joel richardson
2. Joel C. Rosenberg
3. Glenn Beck

۴. برای مطالعه تفصیلی در این زمینه رک: اسلام رسانه‌ها، ادوارد سعید، عصر سی ان ان و هالیوود، دکتر محمد مهدی سمتی، هالیوود و فرجام جهان، ابوالحسن علوی و کتاب جک شاهین با عنوان "Reel Bad Arabs: How Hollywood Vilifies a People".

عمومی و دور ماندن آنها از آموزه‌های اصیل اسلامی داشته باشد. از این روی، متولیان سیاسی و فرهنگی مخالف با اسلام در دنیای غرب، تلاش دارند با در اختیار گرفتن برخی از نویسندگان ضداسلامی، مطالب مورد نیاز رسانه‌های شنیداری و گفتاری را فراهم نموده و با ترویج گسترده آنها، به مقابله با موج اسلام‌خواهی بین‌المللی بپردازند (عسگری، ۱۳۹۳ش: ۳۵-۳۶). «دکتر عبدالعزیز ساشادینا» نقش دولت‌ها در جهت‌گیری تحقیقات دانشگاهی و مصادره فکر و قلم آنان را مؤثر دانسته و معتقد است که تولید دانش در دانشگاه‌های آمریکا خنثی نیست. لذا اهمیت دارد که بدانید هر یک از نویسندگان ضداسلامی در کدام دانشگاه درس خوانده است تا روش نوشتار آنان را بتوان تحلیل نمود (همان: ۳۴).

این دسته از مستشرقان و رسانه‌های غربی با تمرکز در موضوع مهدویت و موعودباوری شیعی، تلاش در وارونه‌سازی الهیات امامیه داشته و تحلیل‌های ناصواب خود را درباره حضرت مهدی علیه السلام و حکومت جهانی ایشان با اهداف خاص دنبال می‌کنند. نمونه‌ای از عملکرد این دسته از مستشرقان چنین است.

شبهه در شیوه رفتاری حضرت مهدی علیه السلام

۱. استناد به روایت‌های کشتار و غلبه اسلام بر ادیان

«جوئل ریچاردسون» که عمدتاً با دو کتاب "Islamic antichriste" و "Mideast beaste" شناخته می‌شود، اسلام را مهم‌ترین چالش دنیای غرب و کلیسا معرفی نموده (Richardson Joel, 2008: p12) و معتقد است، احکام اسلامی به ویژه جهاد، در تعارض با حقوق بشر است (همان: ۱۳۸). وی تلاش می‌کند که اسلام را دشمن دیگر ادیان به ویژه مسیحیت و یهود جلوه داده و جنگ آخرالزمان را حرکتی از جانب حضرت مهدی علیه السلام برای نابودی یهودیان نشان دهد (همان: ۱۱۳). «تیموتی فرنیش»^۱ نیز چنین دیدگاهی را ترویج کرده و معتقد است که حضرت مهدی علیه السلام چهره‌ای خشونت طلب دارد و در تلاش است که به هر طریقی افراد را به اسلام مجبور نماید.^۲

نقد و بررسی

باید توجه داشت که در تحلیل یک مسئله دینی لازم است که، ارجاع مسائل غیراصلی و

1. Timothy Furnish

2. <https://blogs.lcms.org/2009/dueling-messiahs-jesus-v-the-mahdi-in-iran-2-2009/>

مقطعی بر مبانی اساسی ثابت و مستمر مدنظر قرار گیرد. حاکمیت اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نبوده و توجه به سیر حرکت تبلیغی و دینی رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد که اصل در اسلام رافت، محبت به تمامی مردم حتی غیرمسلمانان، اتمام حجت عقلی و عالمانه جهت تبیین صحیح مبانی اسلام و به عبارتی استقبال از بحث‌های علمی و گفت‌وگو جهت روشننگری است. لذا می‌توان گفت:

اولاً: رسول خدا ﷺ چه در ابتدای تبلیغ دین اسلام و چه زمانی که حاکمیت مطلق بر شبه جزیره داشتند از اصول خود تخطی نکرده و بر همان منش الهی خود، راه گسترش اسلام را در پیش گرفتند و هرگز از شمشیر برای وارد کردن مردم به اسلام استفاده نکردند (عبدالمحمدی، ۱۳۹۱ش: ۷).

قرآن کریم حضرت محمد ﷺ را با عناوینی چون «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۱۰۷) و «دارای اخلاق بسیار نیکو» (قلم: ۴) یاد کرده و جان فشانی وی برای هدایت مردم را متذکر می‌شود (شعراء: ۳). همچنین خدای متعال به رسول خود یادآور شده که در مواجهه با مشرکان لازم است افزون بر حسن خلق و نگاهی رافت‌آمیز به آنان، از بیان منطقی و مستدل بهره‌گیری نمایند نه غضب و خشونت (نحل: ۱۲۵)؛ از طرف دیگر با آنها مدارا نما (اعراف: ۱۹۹) و اگر به تو بدی کردند از بدی آنها چشم‌پوشی کرده و پاسخ‌شان را به نیکی بده (مؤمنون: ۹۶) و این توصیه را به مسلمانان نیز گوشزد می‌کنند (جاثیه: ۱۴). مطابق این اخلاق است که ایشان منشوری جاودانه در تقابل نظامی با دشمن را ارائه کرده و در بیانیه‌ای فرموده‌اند:

به سوی میدان جنگ حرکت کنید، اما نه از روی هوی و هوس، بلکه با نام و یاد خدا و برای رضای او و با نیتی پاک و خالی از هرگونه انگیزه غیرخدائی و بر طبق برنامه‌های اسلامی عمل کنید. در جنگ هرگز خیانت نکنید؛ پس از این‌که دشمن را از پای درآوردید، به پیکر بی‌جان او هجوم نیاورید و آن را مثلله (قطعه قطعه) نکنید؛ اهل مکر و فریب و غدر و پیمان‌شکنی نباشید؛ به افراد ضعیف و ناتوان، که دخالتی در جنگ ندارند، حمله نکنید، و پیرمردهای ناتوان و بی‌چه‌ها و زن‌ها را به قتل نرسانید؛ و درختان را قطع نکنید، مگر که ناچار شوید! (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۵، ۲۷)

۸۱ این روش الهی حتی در زمان پیروزی و تسلط پیامبر خدا ﷺ بر مشرکان مکه ادامه داشت (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: ج ۱۷، ۲۷۲) و اسلام در عین آموزش و اعتقاد به «ظلم‌ستیزی» و «مقاومت در برابر ظالم» (انفال: ۶۰) صلح و آرامش را مقدم بر آن شمرده است (انفال: ۶۱).

دیگر امامان شیعه و حضرت مهدی علیه السلام همانند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عمل نموده و با توجه به این که جانشین خدای متعال هستند، مظهر رحمت و لطف الهی می باشند (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱، ۲۰۰). به عنوان نمونه، سلوک سیاسی حضرت علی علیه السلام خارج از سلوک معنوی ایشان نبوده^۱ و عدالت رفتاری ایشان (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۶) به غیرمسلمانان و پیرمردان از کار افتاده مسیحی نیز تعلق می گیرد (طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۶، ۲۹۳). ایشان، در توصیه به مالک اشتر انسانیت را فریاد زده و محبت را برای غیرمسلمان و غیرهمکیش لازم دانسته و می فرماید: دلت را نسبت برعیت پراز مهر و محبت و لطف کن، نسبت به آنها چون درنده آزارکننده ای مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری، زیرا از دو گروه بیرون نیستند یا برادر دینی تو هستند یا همنوع تو محسوبند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

امام مهدی علیه السلام نیز در اجرای قواعد و مبانی اسلام همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام عمل نموده و عدالت و انصاف محور حرکت اصلاحی ایشان و زمانه ظهور است (طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۶، ۱۵۴). اما بدین نکته باید توجه نمود که دوران ظهور موعود پایانی و فلسفه ظهور او پایان دادن به هر گونه ظلم و ستم و مبارزه با بی عدالتی هاست؛ طبیعتاً گروهی از زورگویان و مستکبران در برابر این قیام قد علم نموده و تلاش در مبارزه و حذف حضرت مهدی علیه السلام دارند. آنچه از روایات شیعی برمی آید حرکت اصلاحی حضرت مهدی علیه السلام در ابتدا با طرح مباحث علمی و استدلال در مورد آموزه های اسلامی است و این حرکت در تمام دنیا رخ داده و جوامع مختلف بشری به تحلیل و گفت و گو خواهند پرداخت (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۸، ۲۲۷)؛ پس از آن و تحلیل ساختارهای الهی قیام، آن دسته از افرادی که به دلیل جاه طلبی و دنیاپرستی منطق ارائه شده را نپذیرند و دشمنی خود را علنی نمایند تنبیه شده و در نبردی که حضرت مهدی علیه السلام آن را رهبری می کنند از بین خواهند رفت (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۸۴). این حرکت نه تنها معقول بوده بلکه، لازمه گسترش عدالت در جهان است (کارگر، ۱۳۸۷ش: ۱۷۹؛ صمدی، ۱۳۹۳ش: ۱۸۴؛ رامین، ۱۳۸۶ش: ج ۲، ۷).

ثانیاً: برخی از روایت هایی که اشاره به افراط در کشتارهای دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام دارد مورد قبول عالمان دینی قرار نگرفته و افزون بر اشکالات سندی و تردید در اصالت گزارش ها، محتوای آنها در تعارض با سنت قطعی قرآن و سیره عملی اهل بیت علیهم السلام قرار دارد (طیبی،

۱. خطبه های نماز جمعه تهران: ۲۰/۶/۱۳۸۸/۴۹۶۳ tid=4963 . [http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4963](http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?)

۱۳۸۸ش: ج ۱، ۲۲۰؛ دیاری، ۱۳۹۳ش: ۱۴۷).

ثالثاً؛ نباید رویکرد اشتباه برخی از فرق و گروه‌های افراطی همانند القاعده و داعش را به پای آموزه‌های اسلامی و نگرش شیعیان دوازده امامی نوشت^۱ و در مواردی، رفتار برخی از مسلمانان و روش زندگی آنان در کشورهایشان، نه تنها با آموزه‌های اسلام حقیقی فاصله دارد بلکه؛ در مواردی تعارض‌شان آشکار است (موسوی مقدم، ۱۳۹۵).

با توجه به اصالت صلح در اسلام و منطق قرآنی است که برخی از اساتید منصف و اهل دقت غربی، نگاهی خلاف مستشرقان رسانه‌ای داشته و اسلام را دین آرامش و امنیت اجتماعی دانسته‌اند. «کارن آمسترانگ»، نویسنده دو کتاب با عنوان «محمد؛ زندگی نامه یک پیامبر» منتشر شده در ۱۹۹۱ میلادی و «محمد؛ پیامبری برای زمانه ما» منتشر شده در ۲۰۰۶ میلادی،^۳ درباره حضرت محمد ﷺ نکاتی در خور توجه بیان کرده است. وی کتاب اول خود را پس از اهانت‌های «سلمان رشدی» نگاشته و دومین کتاب را پس از واقعه یازده سپتامبر تألیف کرده است. تلاش ایشان این است که اتهامات رسانه‌های غربی و نگاه بغض‌آلود به اسلام را پاسخ داده و خواننده را با حقیقت چهره اسلام و حضرت محمد ﷺ، که محبت و صلح است، آشنا سازد.

وی در قسمتی از مقدمه کتاب اول خود می‌گوید:

من این کتاب را به این خاطر نوشتم که در واقع، افسوس می‌خورم که سیمای محمد ﷺ برای مردم غرب فقط تصویری باشد که کتاب رشدی ارائه می‌دهد... زیرا محمد ﷺ را یکی از نوادر تاریخ بشریت یافته بودم... در طی ۱۰ سال بعد، اسلام‌ستیزی مردمان غرب رو به سردی گزارد و اگرچه هر از گاهی جرقه‌هایی شعله‌ور می‌گشت ولی به نظر می‌رسید که مردم علاقه بیشتری برای تشکیک در داستان رشدی نشان می‌دهند (آمسترانگ، ۱۳۸۳ش: ۱۰).

وی در ادامه به منتقدینی که واقعه یازده سپتامبر را دستاویزی برای هجوم به آموزه‌های اسلام قرار داده‌اند پاسخ داده و معتقد است اکثر منتقدین اسلام بیشتر به آیه‌هایی از قرآن اتکا می‌کنند که در آنها به جنگ و انتقام‌گیری توجه گردیده و می‌تواند به راحتی روحیه افراطی‌گرایی را در خواننده خود تقویت نماید. آنها، اغلب این را نادیده می‌گیرند که در کتاب‌های مسیح و موسی ﷺ نیز می‌توان عباراتی حاکی از همین خشونت را پیدا کرد.

۱. ر.ک: نامه رهبر انقلاب اسلامی ایران به جوانان اروپایی:

<http://english.khamenei.ir/news/2681/Today-terrorism-is-our-common-worry>

2 . Muhammad: A Biography of the Prophet

3 . Muhammad: A Prophet For Our Time

تورات، مردم اسرائیل بارها به خراب کردن شعائر مذهبی قوم و بیرون راندن آنان از سرزمین مقدس و عدم انعقاد هیچ‌گونه پیمان نامه‌ای با آنان توصیه شده است. گروه به خصوصی از افراطیون یهودی همین آیه‌ها را برای بیرون راندن فلسطینی‌ها از سرزمین‌های شان و مخالفت با طرح صلح خاورمیانه به کار بردند (همان: ۱۱). وی در ادامه می‌نویسد:

تقریباً همه می‌دانند که استفاده از این آیات، و حمل آنها بر این معانی، کاری غیراصولی است. اگرچه مسیح همیشه چهره‌ای صلح طلب معرفی شده است اما در انجیل آیه‌های بسیاری هستند که به تهاجم و نبرد تشویق می‌کنند. حتی در یک مورد مسیح می‌گوید: من نه برای صلح بلکه برای ستیز آمده‌ام. ولی هیچ‌کس این آیه‌ها را در کشتار هشت هزار مسلمان بوسنیایی به دست مسیحیان صربستان مورد استفاده قرار نداد. در آن زمان هیچ‌کس مسیحیت را ذاتاً خطرناک و متجاوزگر قلمداد ننمود. زیرا اطلاعات مردم به قدری در مورد این دین بالا بود که هیچ‌کس اجازه چنین ادعائی را به خود نمی‌داد. بیشتر مردم در غرب آن چنان از اسلام بی‌اطلاع هستند که به هیچ‌وجه نمی‌توانند در داوری‌های خود نظری منطقی و صحیح ابراز نمایند. با این وجود، و با همه تاریکی حاکم بر مردم غرب، در مورد اسلام گاهی نیز جرقه‌هایی از امید و خوش‌باوری درخشیده است (همان).

«آرمسترانگ» در ادامه بدین نکته اشاره می‌کند که خیره‌سری برخی از مسلمانان و افراط-گرایی آنان ارتباطی با آموزه‌های اسلام اصیل نداشته و همان‌گونه که از نام "اسلام" بر می‌آید؛ پایه‌های فکری این دین الهی بر "سلم" و "صلح" قرار گرفته است (همان: ۱۳).

مشابه این سخنان، در کتابی از خانم «بوریلی میلتن ادوارز»،^۱ استاد علوم سیاسی دانشگاه «کوئین بلفاست»^۲ ذکر شده است. وی معتقد است که غربیان تنها بر آموزه جهاد در اسلام تمرکز کرده‌اند و با توجه به رخدادهایی مانند یازده سپتامبر، تلاش بر نشان دادن چهره-ای خشن از اسلام دارند. این در حالی است که پیامبر اسلام ﷺ مبنای کار خود را صلح قرار داده و اصل جهاد برای دفاع از مرزها و جان مسلمانان بوده است. وی متذکر می‌شود که بن لادن نماینده اسلام نیست (MiltonEdwards, 2006: p40-46) و اگر قرار باشد برخوردهای برخی از افراطیون در یک دین را به حساب آموزه‌های رهبران دین گذاشت، پس افراط‌های یهودیان و مسیحیان نیز به آئین یهود و مسیحیت باز می‌گردد (همان: ۴۸).

1 . Beverley Milton-Edwards

2 . Philosophy at Queens University Belfast

۲. گمانه ارتباط میان مهدویت و آموزه‌های تکفیری

پژوهشگران مطالعات اسلامی در غرب به برخی از حرکت‌های آخرالزمانی و مهدی‌باور در تاریخ اسلام توجه ویژه‌ای داشته‌اند. در میان جریان‌های انحرافی کهن می‌توان به: «کیسانیه» و «واقفیه»؛ و در میان معاصران به «باییه» و «بهائیه»، «مهدی‌سودانی» و «جهیمان‌العتیبی» اشاره نمود. در سال‌های اخیر، گروه‌های سلفی - وهابی پدید آمده‌اند که سرلوحه فعالیت‌شان را تکفیر دیگر مسلمانان (اعم از شیعه و اهل سنت) قرار داده و با تمسک به گمانه‌های باطل «ابن تیمیه» و «محمد بن عبدالوهاب»، علیه مسلمانان قیام مسلحانه را آغاز نموده‌اند. در این میان، گروهی که توجه تعداد زیادی از پژوهشگران غربی را به خود جذب کرده است «isis» یا همان «داعش» است. بهره‌گیری این گروه از آموزه‌های آخرالزمانی به گونه‌ای است که بحث از روایات مهدوی را مبنای تبلیغ خود قرار داده‌اند.^۱ آنها به جای مخفی کردن رویکرد موعودباورانه، آن را آشکار نموده و اولین رهبر داعش یعنی ابوعمر البغدادی (۲۰۱۰م)^۲ تلاش داشت که خود را از نسل امام حسین علیه السلام بداند تا کسانی را که خلافت را در خاندان قریش و از نسل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌دانند نیز همراه خود سازد (مک کنتس، ۱۳۹۶ش: ۳۹) داعش، برای یادآوری خلافت بنی عباس، رنگ پرچم خود را سیاه انتخاب نموده و درباره آن می‌گویند:

از خدا می‌خواهیم لطفش را شامل حال ما کند و این پرچم را یگانه پرچم همه مسلمانان گرداند. یقین داریم که وقتی مهدی از خانه خدا خروج می‌کند، مردم عراق با این پرچم به یاری او می‌شتابند (همان: ۴۹).

القاعده نیز برخی از مضامین آخرالزمانی را به کار گرفته و نشریه‌ای را با عنوان "طلائع الخراسان" (پیشگامان خراسان) نشر دادند. ابومصعب السوری،^۳ از اعضای برنامه ریز در القاعده و اهل سوریه، فصل پایانی کتاب خود را به مباحث آخرالزمانی اختصاص می‌دهد و به روایت‌های "الفتن" تألیف نعیم بن حماد و دیگر نویسندگان اهل سنت استناد می‌دهد. (السوری، بی تا: ۱۵۱۷-۱۵۹۹)^۴ ابو ایوب المصری (رهبر القاعده عراق پس از زرقاوی) آن چنان ظهور موعود را نزدیک می‌دانست که دستور ساخت منبر در مسجد النبی مدینه، مسجد اموی

1 . <https://www.theatlantic.com/magazine/archive/2015/03/what-isis-really-wants/384980/>
2 . https://en.wikipedia.org/wiki/Abu_Omar_al-Baghdadi

۳ . نام کامل وی، مصطفی بن عبدالقادر بن مصطفی الرفاعی است.

۴ . وی در این قسمت از کتاب خود - که محصول تجربه‌های جنگی او در کشورهای مختلف است - فقط به نقل روایات در چند موضوع پرداخته و تحلیل از آنها ارائه نمی‌دهد.

دمشق و مسجدالاقصی را داده بود و آن زمان که نزدیکانش از وی انتقاد کرده که چرا تصمیمات حیاتی را بر پایه زمان بندی های آخرالزمانی اتخاذ می کنی؟ پاسخ داده که (مهدی به زودی خواهد آمد) (مک کنتس، ۱۳۹۶ ش: ۷۸-۷۹).

محوری حاکم بر گروه های تکفیری - وهابی و سوء استفاده های آنان از موعودباوری اسلامی موجب گردید تا برخی از نویسندگان غربی مانند: «ریچاردسون»، اسلام را وارونه نمایش داده و جریان های تروریست تکفیری را زمینه سازان ظهور حضرت مهدی عج معرفی کرده و موعود اسلامی را تکمیل کننده خشونت های داعش و مانند آنها نمایش دهند.^۱ دیوید کوک^۲ در مقاله خود با عنوان "منجی گرایی در هلال شیعی"، به دولت مردان غربی هشدار داده که آموزه های مهدوی و شکل گیری مدعیان دروغین جهادگرا، می تواند در سال ۲۰۳۹ میلادی برای آنها خطراتی پدید آورد.^۳

نقد و بررسی

افراط و تفریط از مهم ترین عوامل شکست و عدم پیشرفت در جوامع بشری بوده که دینداران نیز از این آفت در امان نیستند. افراط در آموزه های دینی و به تعبیر دیگر پیش افتادن از خدای متعال و شارع مقدس، آسیبی بسیار جدی در حوزه دین بوده که منجر به بی اعتمادی مؤمنان، دین گریزی جوانان و نمایش چهره ای خشن از دین می گردد. از این رو، لازم است تا با پیروی از مکتب اهل بیت عج به عنوان تنها مرجع رسمی در تفسیر آیات الهی و احکام دینی، محدوده دین باوری را دانست و از این آسیب مصون بمانیم.

افراط گرایی و تکفیر، محصول نگرش های خشک و متعصبانه از دین است که استعمارگران با بهره گیری از این روحیه در برخی مسلمانان، به انشقاق در امت اسلام دست زده و با حمایت از این نگرش انحرافی تلاش دراز میان بردن اسلام دارند.^۴ شیعیان هیچ گاه دیگران را به دلیل غیرشیعه بودن مورد هجوم و قتل قرار نداده اند و اگر اصل دفاع در برابر تهاجم موجب گردیده تا در برابر بیگانگان و دشمنان خود قد علم کنند، با توجه به مبانی خود و اسلام علوی، نه اموی؛ تعادل و انصاف را رعایت کرده اند. نمونه بارز این عملکرد در میان روش سیاسی امام

1 . www.joelstrumpet.com/?p=4989.boston-bombers-expecting-the-mahdi

2 . David Cook

3 . "Messianism in the Shiite Crescent" , <https://www.hudson.org/research/7906-messianism-in-the-shiite-crescent>

۴ . بیانات ایشان در مراسم سالگرد امام خمینی عج ۱۴/۳/۱۳۹۳:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26615>

خمینی رحمته‌الله علیه رهبر انقلاب اسلامی ایران و برخورد وی با اقلیت‌های دینی و اهل سنت در ایران است. این رویکرد منجر به تغییر در معادلات جهانی گردیده و اخلاق حاکم بر سیاست را به نمایش گزارده است. لذا هیچ‌گونه تجاوز و کشتاری توسط جمهوری اسلامی ایران تاکنون شکل نگرفته و اتهام‌های واهی دولت‌های آمریکایی و اروپایی مستندی برای اثبات نیافته‌اند. جمهوری اسلامی با نگرش مبتنی بر قرآن و آموزه‌های صحیح نبوی - علوی، موعودباوری را حرکتی فرهنگی می‌داند که لازمه آن گفت‌وگو، استدلال و آزادی در اندیشه است (رحیمی، ۱۳۹۶ش: ۸۹).

از طرف دیگر، این شیعیان بوده‌اند که بزرگ‌ترین قربانیان این تفکر انحرافی قرار گرفته و رخداد عملیات‌های انتحاری در مناطق شیعی توسط وهابیت شاهد بر این سخن است. در مقابل این نگرش افراطی - وهابی، فتوای رسمی رهبر انقلاب اسلامی ایران^۱ و دیگر مراجع شیعه است (سبحانی، ۱۳۸۵ش: ۶۳) که به وفاق و برادری میان امت اسلام دستور داده و هیچ‌یک از فرق اسلامی را به عنوان خارج شده از دین و کافر عقیدتی خطاب نموده‌اند و در نظر این بزرگان، تمامی امت اسلام دارای احترام در مال، ناموس و جان‌شان می‌باشند. تفکر تکفیری نه تنها جایگاهی در قرآن و روایات اصیل اسلامی ندارد بلکه، دستورات اسلام برخلاف آن است و با توجه به گفتار سابق، سختی میان فرهنگ نبوی، علوی و مهدوی با کشتار و تکفیر وجود ندارد (سبحانی، ۱۳۸۵ش: ۶۳).

گمانه همسانی مهدی موعود علیه السلام و ضد مسیح

عبارت "ضدمسیح"^۲ در میان مسیحیان و نظریه پردازان آخرالزمانی دنیای غرب رونق بسیار داشته و معادل "دجال" در فرهنگ اسلامی محسوب می‌گردد (شیرخدايي، ۱۳۹۳ش: ۷۵). این عبارت تنها در رساله یوحنا ذکر شده است اما در مکاشفه یوحنا، رساله پولس و کتاب دانیال نیز مفاهیم مشابه آن یافت می‌شود. اگرچه درباره شخص یا جریان بودن «ضدمسیح» و مصادیق آن، میان گروه‌های مسیحی اختلاف وجود دارد اما به طور کلی ضدمسیح، شخص یا جریانی است که تلاش در مصادره جایگاه عیسی بن مریم علیه السلام داشته و با آموزه‌های وی مقابله می‌کند.^۳ در میان مسیحیت این عنوان به برخی از مخالفان عقیدتی خود (مانند این که

1 . <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=28592>

2 . Anti christ

3 . Catholic Encyclopedia Volume A. Antichrist <https://www.catholic.org/encyclopedia/view.php?id=863>

پروتستان‌هایی مانند لوتر به پاپ و رهبر کاتولیک‌ها تعبیر کرده‌اند) یا غیر مسیحیان منکر خدایی حضرت عیسی علیه السلام اطلاق شده و دستاویزی برای دروغگو خواندن آنها قرار گرفته است (همان). اما در دوره حاضر این عبارت توسط برخی از نویسندگان به جامعه اسلامی و مشخصاً حضرت مهدی علیه السلام تطبیق داده می‌شود. دکتر دیوید ریگان،^۱ با اشاره به تاریخچه‌ای از شکل‌گیری نظریه "ضدمسیح اسلامی" در دوره معاصر، کتاب‌هایی مانند The Assyrian Connection (پیوند آشوری) تألیف "فیلیپ گودمن"، "Unveiling the Man of Sin" (پرده برداری از مرد گناه) تألیف "جو ونکو اورینگ"، "Islamic Antichrist" (ضدمسیح اسلامی) تألیف "جوئل ریچاردسون" و "God's War on Terror: Islam Prophecy and the Bible" (جنگ الهی با ترور: اسلام، پیشگوئی‌ها و کتاب مقدس) تألیف "ولید شعیبات" را به عنوان پیشتازان این دیدگاه نام می‌برد. وی کتاب گودمن را بهتر از دیگر کتب دانسته و در توضیح آن اشاره بدین نکته نموده که گودمن تصریح به مسلمان بودن دجال نکرده است اما در این کتاب معتقد است که دجال از کشوری اسلامی خواهد آمد.^۲ رودریگو سیلوا^۳ نیز نویسنده‌ای دیگر است که در کتاب "The Coming Bible Prophecy Reformation" (اصلاحاتی در تفسیر پیشگوئی‌های کتاب مقدس در مورد آینده) پس از طرح سؤالاتی مانند:

- علت اشتباه مفسران کتاب مقدس در مورد ظهور ضدمسیح از اروپا چیست؟

- آیا گسترش اسلام از قرن ۷ میلادی و برقراری امپراطوری عثمانی از قرن ۱۴ میلادی

پیشگویی کتاب مقدس در مورد اتحاد آشوریان و اعراب را محقق ساخته است؟

- چگونه اسلام بسترهای لازم برای افزایش قدرت ضدمسیح را فراهم خواهد ساخت؟

تلاش در اثبات ضدمسیح بودن حضرت مهدی علیه السلام نموده است.

این نویسندگان رخدادهایی مانند جزیه گرفتن حضرت مهدی علیه السلام از مسیحیان، نبرد با کسانی که اسلام را نپذیرند، همراهی پیامبری دروغین با دجال و نماز خواندن حضرت عیسی علیه السلام پشت سر حضرت مهدی علیه السلام را از شواهد خود بر ضدمسیح بودن موعود مسلمانان برمی‌شمارند.

جک اسمیت معتقد است که در کتاب مقدس مسیحیان سه عبارت در معرفی "جانور سرخ

1 . David R. Reagan

2 . <https://christinprophecy.org/articles/the-antichrist-2> The Antichrist, Will he be a Muslim?

3 . Rodrigo Silva

جامه" وجود دارد که با حضرت مهدی علیه السلام سازگاری دارد. عبارت‌های was (بود)، is not (نیست) و about to come up out of the abyss (پیرامون برخاستن از پرتگاه] استعاره از چاه جمکران]) را به معنای تولد، غیبت و خروج حضرت از چاه جمکران! ^۱ می‌داند. (smith, 2011, p191-194). ریچاردسون نیز در قسمتی از کتاب خود، کارکردهای مسیح در زمان ظهور را شمرده و یکی از آنها را مخیر نمودن مسیحیان و یهودیان میان کشته شدن و قبول اسلام ذکر می‌کند (Richardson, 2011, p 56). همچنین اشاره به نماز خواندن عیسی مسیح علیه السلام پشت سر حضرت مهدی علیه السلام می‌نماید (همان: ۵۳) اما در ادامه با آوردن متن کتاب مقدس ادعا دارد که مراد از این پیامبر همان پیامبر دروغینی است که در کتاب مقدس ذکر شده است که به همراه دجال و ضد مسیح خواهد آمد و به نوعی نتیجه می‌گیرد که موعود اسلامی همان ضد مسیحی است که پیامبری دروغین به جای عیسی حقیقی را به مسیحیان نشان می‌دهد تا آنها را گمراه نماید (همان: ۶۱). وی در فصل ۱۸ کتاب خود حدود ۲۲ ویژگی را میان موعود اسلامی و ضد مسیح بحث کرده است (همان: ۱۷۱-۱۷۵).

نقد و بررسی

آنچه ذکر گردید ادعاهایی است که مستشرقان رسانه‌ای با بهره‌گیری از متن کتاب مقدس مسیحیان به کار گرفته و موعود اسلامی را مطابق با میل خود مصداق ضد مسیح معرفی شده در کتاب مقدس می‌دانند. این سخنان در حالی است که:

۱. از منظر مسلمانان کتاب مقدس در اختیار مسیحیان، کتابی تحریف شده و دستکاری شده توسط بشر می‌باشد. لذا نمی‌توان به کلمات آن اعتنا نمود و آن را مصون از خطا دانست (میرتبار، ۱۳۹۳ش: ۲۷-۴۶).

۲. تطبیق‌های پیش‌گفته بنابر دیدگاه‌های "مسیحیان بنیادگرا" و یا همان "مسیحیان صهیونیست" می‌باشد که پذیرش آنها در میان دیگر مسیحیان محل تردید است (لگنهاوزن، ۱۳۸۸ش: ۱۱۷).^۲

۳. تطبیق‌گرایی بدون دلیل کافی و منطقی از جمله ضعف‌های مطالب پیش‌گفته می‌باشد (دهقانی، ۱۳۹۵ش: ۴۵).

۱. در اشتباه بودن این تصور در ادامه سخن خواهیم گفت.

۲. جهت اطلاع بیشتر تر رک: کتاب‌های استیون سایزر، صهیونیسم مسیحی؛ گریس هالسل، تدارک جنگ بزرگ.

به گونه‌ای که، نویسندگانی شناخته شده در الهیات مسیحی، همانند دکتر استیون سایزر و دکتر دیوید ریگان به نقد این دسته از نویسندگان پرداخته و استنادات آنها به کتاب مقدس را تحلیل‌هایی بی‌اساس می‌دانند (سایزر، ۱۳۹۳ش: ۴۶ و ۴۵۵).^۱

نوشته‌های سایزر توسط تعداد زیادی از نویسندگان مسیحی حمایت گردیده^۲ و حتی یکی از منتقدان وی با نام "تونی هینگتون" پس از ملاقات با وی قبول نموده که تفکر صهیونیسم مسیحی دارای ویژگی‌هایی مانند نژادپرستی علیه اعراب و فلسطینیان، خشونت‌طلبی و حمایت بدون منطق از اسرائیل هستند (همان). به تعبیر دکتر سایزر، شورای کلیسای خاورمیانه^۳ نیز، صهیونیسم مسیحی را به علت ارائه تفسیری بدعت‌آمیز از کتاب مقدس رد کرده است، و علاوه بر این نیز جان استات^۴ آن را منفور کتاب مقدس می‌خواند (همان: ۴۷).

دکتر ریگان در قسمتی از نقد خود به ریچاردسون می‌نویسد:

مشکل دیگر کتاب ریچاردسون کلام او در این مورد است که بسیاری ایده‌های خود را از ولید شعیبات^۵ گرفته است... ولی هنگامی که در موضوع پیشگویی‌های کتاب مقدس وارد می‌شود، نظریات او بسیار غیرمعمول است و این مطلب به وضوح در کتاب ریچاردسون نمود دارد. نکته رنج‌آور در سخنان شعیبات که در مجامع عمومی آن را عنوان می‌کند این است که او معتقد است باید برای درک پیشگویی‌های کتاب مقدس فکری شرقی داشت. او ادعا می‌کند که همه ما در جهان غرب در شناخت پیشگویی‌های کتاب مقدس دچار اشتباه شده‌ایم چراکه آنها را با ذهنیت غربی تفسیر کرده‌ایم.

این نقطه نظر علاوه بر این که مغرورانه است، خلاف نگاه کتاب مقدس نیز هست. کتاب مقدس به گونه‌ای نگاشته نشده که تنها کسانی با طرز فکر خاص بتوانند آن را درک کنند. این کتاب برای فهم همه مردم نوشته شده است. البته قطعاً دستورالعمل‌هایی برای تفسیر کتاب مقدس وجود دارد (مانند پذیرش معانی ساده و عمیق آن) ولی هر طرز فکری - تا زمانی که زیر سایه روح القدس پروردگار است - می‌تواند این دستورالعمل‌ها را برای فهم کتاب مقدس به کار گیرد.

۱. برای دیدن نظرات ریگان رک:

<https://christinprophecy.org/articles/the-muslim-antichrist-theory>
<https://christinprophecy.org/articles/the-antichrist-2>

۲. افرادی مانند: R. C. Lucas, Gary M. Burge, Gilbert Bilezikian, Paul Copan, John Stott

۳. Middle East Council of Churches

۴. John Stott

۵. W ald Shoebat

ریچاردسون در پایان کتاب خود اذعان دارد که مشکل بزرگی در تفسیر و برداشت او از کتاب مقدس در مورد آخرالزمان وجود دارد. کتاب مقدس می‌گوید که ضد مسیح خود را خدا دانسته و بالاتر از همه خدایان می‌شمارد (رساله دوم تسالونیکیان، ۳: ۲-۴) ریچاردسون اذعان می‌نماید که تصور این که فردی مسلمان خود را خدا بداند تقریباً غیرممکن است. چنین اعتقادی با هسته اصلی الهیات اسلامی تنافی دارد.

اما او همان‌گونه که عبارت مکاشفات ۱۳: ۷ را به نحوی متکبرانه توضیح می‌دهد، نظرش را چنین می‌گوید که جهان اسلام به سادگی در مورد خدا خواندن دجال فریب خواهد خورد! به نظر من این مطلب مثل این است که بگوئیم شب روز است و روز شب. فریب خوردن هم حدی دارد. هر مسلمان که بخواهد خدایی یک انسان دیگر را بپذیرد باید از مسلمان بودن خود دست بکشد.^۱

۴. این سخنان بدون دلیل و اتهام به حضرت مهدی علیه السلام در حالی از طرف مستشرقان صهیونست مسیحی القا می‌گردد که در گفتارها و اهداف از پیش طراحی شده آنان، کشتار مسلمانان و اشغال سرزمین‌های آنان برنامه‌ریزی شده است که نمونه‌ای از این طرح را در آوارگی مردم فلسطین مشاهده می‌کنیم. استیون سائزر به این برنامه چنین اشاره می‌کند. گرشون سالومون رئیس تشریفاتی و جنجالی جنبش و بنیان‌گذار مؤمنان معبد است... سالومون، در کنگره صهیونیست‌های مسیحی در ۱۹۹۸، در نطق خود به عنوان سخنران میهمان تأکید کرد:

رسالت آزادسازی کوه معبد = حرم الشریف] و پاک‌سازی تکرار می‌کنم، پاک‌سازی پلیدی حرمت‌شکن از آن جا بر عهده نسل کنونی است... قوم یهود در دروازه‌های منتهی به کوه معبد متوقف نخواهد شد... ما پرچم اسرائیل را بر فراز کوه معبد به اهتزاز در خواهیم آورد، و دیگر قبه الصخره و مساجدش در آن وجود نخواهند داشت بلکه تنها پرچم اسرائیل و معبد ما در آن خواهد بود....

سالومون در یک مصاحبه تأکید کرد که حرم اسلامی باید از بین برود:

دولت اسرائیل باید آن را انجام دهد. ما باید بجنگیم. ملت‌های بسیاری بر علیه ما خواهند بود اما خدا فرمانده کل ارتش ما خواهد بود. من اطمینان دارم این یک آزمون است که خدا از ما انتظار دارد که بدون هر گونه وا همه‌ای از ملت‌های دیگر جای مسجد صخره را تغییر دهیم. مسیح به خودی خود نخواهد آمد؛ ما باید با جنگیدن او را

1 . <https://christinprophecy.org/articles/the-muslim-antichrist-theory>

نتیجه‌گیری

نظام استکبار دریافته که موعودباوری شیعی مبتنی بر ظلم‌ستیزی و حمایت از عدالت اجتماعی برای تمامی مردم جهان است و این رویکرد دارای جذابیت مردمی بوده و می‌تواند امت‌های تحت ظلم و ستم را علیه استعمار بین‌الملل بشوراند. در برابر این قدرت نرم، دنیای استعمار و رسانه‌های وابسته به آنان تلاش نموده تا با وارونه‌نمایی از موعود شیعی، انگاره‌هایی مانند: «ضدمسیح بودن حضرت مهدی علیه السلام»، «کشتار وسیع در دوران مهدوی» و «برگرفتنی عملکرد گروه‌های تکفیری از آموزه مهدویت» را بزرگ‌نمایی نموده و راه ارتباط میان محتوای عدالت‌خواهانه مهدوی و مردم جهان را سد نمایند. این سخنان در حالی است که سیره اسلام و حاکمیت نبوی و علوی خلاف آن را اثبات نموده و در متن آموزه‌های دین اسلام، صلح در برابر جنگ و امنیت در برابر آشوب اصالت دارد. نکته این‌که عالمان امامیه روایت‌های مرتبط با کشتار و خشونت فراگیر مهدوی در زمانه ظهور را معتبر ندانسته و تعدادی از اندیشمندان غربی نیز به اصالت صلح در اسلام اشاره کرده‌اند.

منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ق)، *شرح نهج البلاغه*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
 ۲. احمدوند، عباس (۱۳۷۷ش)، «گذری بر مطالعات شیعی در غرب»، *فصل‌نامه علمی پژوهشی مقالات و بررسی‌ها*، ش ۶۳.
 ۳. انوری، حسن (۱۳۸۱ش)، *فرهنگ سخن*، تهران: انتشارات سخن.
 ۴. آرمسترانگ، کارن (۱۳۸۳ش)، *محمد زندگی‌نامه پیامبر اسلام*، تهران: حکمت.
 ۵. دهقانی، زهیر؛ شاکری، روح‌الله (۱۳۹۵ش)، «بررسی و نقد نظرات «ضد مسیح اسلامی» و «اسلام، ردای ضد مسیح» در تطبیق ضد مسیح بر منجی اسلامی»، *فصل‌نامه انتظار موعود*، شماره ۵۲.
 ۶. دیاری بیدگلی، محمدتقی؛ ملاحسنی، داود (۱۳۹۳ش)، «روایات (خشونت مهدوی) در بوته

- نقد»، فصل‌نامه پژوهش‌های مهدوی، شماره ۸.
۷. رامین، فرح (۱۳۸۶ش)، *مهدویت و اخلاق جنگ و صلح*، مجموعه آثار سومین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، قم: مؤسسه آینده روشن.
۸. رحیمی (روشن)، حسن (۱۳۹۶)، «نسبت سنجی تکفیر و خشونت در گفتمان اسلام سیاسی امام خمینی رحمته‌الله علیه»، فصل‌نامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۲.
۹. زمانی، محمدحسن (۱۳۸۸ش)، *آشنایی با استشرق و اسلام‌شناسی غربیان*، قم: جامعه المصطفی العالمیه، اول.
۱۰. ساشادینا، عبدالعزیز (۱۳۹۳ش)، *روش‌شناسی مطالعات اسلامی در غرب*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
۱۱. سایزر، استیون (۱۳۹۳ش)، *صهیونیسم مسیحی*، تهران: نشر طه.
۱۲. سبجانی، جعفر (۱۳۸۵ش)، *الإيمان والكفر في الكتاب والسنة*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۳. السوری، ابومصعب (بی‌تا)، *دعوة المقاومة الإسلامية العالمية*، بی‌جا: بی‌نا.
۱۴. شیرخدایی، انسیه؛ لاجوردی، فاطمه (۱۳۹۲ش)، «ضدمسیح در مسیحیت»، فصل‌نامه پژوهشنامه ادیان، ش ۱۴.
۱۵. صمدی، قنبرعلی (۱۳۹۳ش)، *سیره امام مهدی علیه السلام*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۱۶. طبسی، نجم‌الدین (۱۳۸۸ش)، *تا ظهور*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۱۷. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الاحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
۱۸. عبدالمحمدی، حسین (۱۳۹۱ش)، «نقدی بر دیدگاه مستشرقان درباره نقش جهاد در گسترش اسلام»، فصل‌نامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۷.
۱۹. عسگری، یاسر؛ نوروزی، رسول (۱۳۹۳ش)، *روش‌شناسی مطالعات اسلامی در غرب (گفتارهایی از عبدالعزیز)*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۰. کارگر، رحیم (۱۳۸۷ش)، *آینده جهان*، قم: مرکز تخصصی مهدویت.
۲۱. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، قم: دارالحدیث.
۲۲. لگنهاوزن، محمد؛ ابراهیمی، سروعلیا (۱۳۸۸ش)، «مسیحیان و نقد آرای اسکوفیلد»، فصل‌نامه معرفت ادیان، ش ۱.
۲۳. مک کنتس، ویلیام (۱۳۹۶ش)، *رستاخیز داعش*، تهران: نشر اسم، سوم.

۲۴. موتسکی، هارالد و دیگران (۱۳۹۴ش)، *حدیث اسلامی؛ خاستگاه و سیرتطور*، قم: دارالحدیث، دوم.

۲۵. موسوی مقدم، سیدمحمد؛ محمدی، حسین (۱۳۹۵ش)، «گونه‌شناسی آیات قتال و صلح با کافران و رفع تعارض آنها»، *فصل‌نامه قرآن، فقه و حقوق اسلامی*، شماره ۵.

۲۶. میرتبار، سیدمرتضی؛ صادق‌نیا، مهرباب (۱۳۹۳ش)، «بررسی و نقد درون‌دینی حجیت کتاب مقدس در مسیحیت»، *فصل‌نامه پژوهش‌های ادیانی*، شماره ۴.

۲۷. نعمان، محمدبن (۱۴۱۳ق)، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید.

۲۸. الویری، محسن (۱۳۸۱ش)، *مطالعات اسلامی در غرب*، تهران: انتشارات سمت.

۲۹. الویری، محسن (۱۳۸۳ش)، «رویکردهای نو در شرق‌شناسی»، *دوفصل‌نامه پژوهش‌های حقوق اسلامی*، ش ۱۵.

30. Milton-Edwards , Beverly, *Islam and Violence in the Modern Era*, PALGRAVE MACMILLAN Houndmills , 2006

31. Richardson Joel. Crimp Susan, "Why We Left Islam: Former Muslims Speak Out", WND Books, Washington DC 1st edition. ,(2008)

32. Smith. Jack. *Islam The Cloak of Antichrist* . Winepress Pub (October, 2011)

33. Richardson Joel, *Islamic anti chrtiste*, Blackstone Audiobooks, 2011

34. <http://farsi.khamenei.ir>

35. <http://english.khamenei.ir>

36. <https://www.theatlantic.com/magazine/archive/2015/03/what-isis-really-wants/384980/>

37. https://en.wikipedia.org/wiki/Abu_Omar_al-Baghdadi

38. www.joelstrumpet.com/?p=4989. boston-bombers-expecting-the-mahdi

39. "Messianism in the Shiite Crescent" , <https://www.hudson.org/research/7906-messianism-in-the-shiite-crescent>

